«آخرین داستان» به جایزه آسیا-پاسیفیک دعوت شد

انیمیشن سینمایی «آخرین داستان» به کارگردانی اشکان رهگذر و تهیه‌کنندگی احسان رسول‌اف به دوازدهمین دوره جایزه سینمایی آسیا-پاسیفیک دعوت شد. با دعوت ادی گارسیا گرنت، رئیس جایزه آسیا-پاسیفیک انیمیشن سینمایی «آخرین داستان» در بخش انیمیشن این رویداد معتبر سینمایی با حضور ۲۰ اثر دیگر برای به دست آوردن بهترین جایزه انیمیشن سینمایی به رقابت خواهد پرداخت. «آخرین داستان» با برداشتی آزاد از شاهنامه به روایت قصه ضحاک ماردوش، کاوه آهنگر و آفریدون می‌پردازد. پرویز پرستویی، لیلا حاتمی، حامد بهداد، اشکان خطیبی، بیتا فرهی، اکبر زنجان‌پور، فرخ نعمتی، حسن پورشیرازی، باران کوثری، مجید مظفری، شقایق فراهانی، ملیکا شریفی‌نیا، زهیر یاری، و بانیپال شومون از گویندگان نقش‌های این انیمیشن هستند. جایزه آسیا-پاسیفیک به مثابه اسکار منطقه «آسیاپاسفیک» مطرح است و هر ساله با حضور آثاری از ۷۰ کشور این منطقه برگزار می‌شود.

ارکستر سمفونیک تهران چهارشنبه عازم روسیه می‌شود

ارکستر سمفونیک تهران به رهبری شهرداد روحانی همزمان با آغاز جام‌جهانی فوتبال روز چهارشنبه برای برگزاری سه کنسرت در روسیه راهی این کشور می‌شود. به گزارش هنرآنلاین، مجموعه منتخب ارکستر ملی ایران به رهبری فریدون شهبازیان و ارکستر سمفونیک تهران به رهبری شهرداد روحانی روز چهارشنبه ۲۳ خرداد تهران را به مقصد روسیه برای اجرای سه کنسرت مجزا ترک می‌کند. این مجموعه در این کنسرت‌ها ضمن اجرای چند قطعه موسیقی کلاسیک چند قطعه بی‌کلام و با کلام ایرانی از جمله سرود تیم ملی ایران در جام جهانی را به آهنگسازی بابک زرین و خوانندگی سالار عقیلی را نیز به مخاطبان ارایه می‌دهد.

طبق برنامه‌ریزی‌های انجام گرفته مجموعه منتخب ارکسترها را ساعت ۲۰ روز پنجشنبه ۲۴ خرداد، ساعت ۱۹ روز یکشنبه ۲۷ خرداد ماه و ساعت ۱۹ روز سه شنبه ۲۹ خرداد ماه برنامه‌هایی را اجرا می‌کنند.

حسن فتحی سکوتش را شکست

احتمال ساخت «شهرزاد ۴»

درحالیکه حسن فتحی کارگردان سریال شهرزاد در حال مذاکره برای ساخت سریال جدیدی به نام «بامداد خمار» است از ساخت فصل جدید شهرزاد با بازگشت مجدد قباد، شهرزاد و فرهاد خبر داد.

زمانی که فصل اول سریال «شهرزاد» ساخته شد، مخاطبان بسیاری از آن استقبال کردند و این سریال بهانه‌ای شد برای این که مخاطبان بار دیگر به شبکه نمایش خانگی اعتماد کنند و هر هفته منتظر پخش این سریال باشند.

به گزارش هنرآنلاین، این روند سه سال ادامه یافت و حالا پس از پشت سر گذاشتن سه فصل از سریال در حالی که قباد شخصیت اصلی سریال که طرفداران بسیاری داشت، سرنوشتش مشخص شد و بازیگران اصلی در گفت‌وگوهای بسیاری اعلام کردند که فصل چهارم این سریال در کار نیست، حسن فتحی همزمان با پخش آخرین قسمت این سریال از ساخت فصل بعدی این سریال خبر داد.

او نوشت: «خانم‌ها، آقایان، تماشاگران محترم، سه فصل سریال «شهرزاد» به پایان رسید و امید است در آینده‌ای نزدیک امکان ساخت فصل چهارم آن که در آن شاهد بازگشت مجدد قباد، شهرزاد و فرهاد به متن قصه خواهیم بود، فراهم گردد!

سریال «شهرزاد» برای مخاطبانش، ماجرای تراژیک و آمیخته با تخیل «عشق و سیاست و پول» در ایران دهه ۳۰ شمسی بود و برای من و همکارانم تجربه‌ای دشوار و طاقت فرسا در دهه ۹۰ شمسی!

در اینجا و در این زمانه که ماییم، واقعیت‌ها، بسیاری اوقات از امر تخیلی تخیلی‌تر هستند و از همین رو باید در میان گذاشته شوند تا بتوان باور کرد و اعتماد نمود. شفاف سازی این واقعیت‌های تاریک و تو در تو تنها راه تداوم و بقا برای همگان و به خصوص هنرمند است.

ساخت و ساز سریال «شهرزاد» در طی این پنج سال، کلکسیونی از آزمون‌های رنگارنگ برای هنر و هنرمندی شد که می‌خواهد بیافریند، مستقل بماند و اخلاقی عمل کند؛ آزمون‌هایی که عبارت باشند از تلاش برای پیدا کردن نسبت میان هنر از یک سو و سه گانه «سرمایه، سیاست روز، افکار عمومی» از سوی دیگر.

همه این سال‌ها کارگردانی برای من آکروباسی میان اصولی چون استقلال، رفتار اخلاقی، شفافیت و البته یافتن بهترین نسبت با همین سه گانه بوده است و با سریال «شهرزاد» در بسیاری از لحظات این آکروباسی به قصد حفظ تعادل در معرض تهدید قرار گرفت.

تردیدی نیست که صنعت سینما و فیلم با خلق و تخیل سر وکار دارد و نیازمند خلوت و امنیت ذهنی است. کاری است گروهی و موفقیتش در گرو همکاری و همبستگی میان همه افراد گروه. با مخاطب سر و کار دارد و به این معنا که نه تنها باید مورد پسند قرار بگیرد بلکه بایدنقاد ناروایهای فرهنگی و عادات عمومی هم باشد. به دلیل نقش اجتماعی‌اش همیشه در تنش است با سلیقه‌های متفاوت سیاسی؛ و نهایتا اینکه برای به سرانجام رساندن خود نیازمند پول است در عین اینکه باید مستقل باشد.

حفظ تعادل برای یک فیلمساز در خلق و تولید یک اثر هنری، التزام به این نکات است و متأسفانه چنین التزامی در جامعه ما همواره در معرض تهدید و تردید قرار می‌گیرد، تردیدی میان منافع خود و دیگری؛ میان اخلاق و مصلحت؛ میان استقلال و میل سیاست به دخالت؛ میان منطق سرمایه و جنس هنر؛ میان افکار عمومی و نقد آن.

این تعادل‌های ضروری و الزامی متاسفانه از همان فصل اول سریال بواسطه ضرب و زور رسانه‌ای برخی سلیقه‌ها در معرض آسیب و تهدید قرا گرفت. در تمام مدت من سعی کردم تا به یاری همکارانم، این تنش‌ها و حاشیه‌ها را که گاه به افکار عمومی ربط پیدا می‌کرد و گاه به سیاست‌های رسمی و متولیان رسمی تاریخ معاصر و قرائت‌های مسلط از تاریخ، نادیده گرفته و کار را به انجام برسانم و البته استقبال عمومیِ مخاطبانِ متنوع و متعلق به اقشار مختلف در داخل و خارج کشور، پشت و پناه و نقطه اتکای محکمی شد برای تداوم کار. فصل اول سریال «شهرزاد» با اعتماد، همدلی و امیدی که برانگیخت پاداش خود را گرفت.

اما همزمان با از سر گیری فصول بعدی سریال، اثری که مباهات می‌کرد به اعتمادی که در میان مردم برانگیخته بود، ناگهان در معرض اتهام قرار گرفت. این بار شایعه شبهات مالی بحران ایجاد کرد. باید جواب می‌دادیم سرمایه از کجا آمده است؟ از متولی قانون تا فعال مدنی، از چپ و از راست، از رومی روم تا زنگی زنگ، ارکستر وار، هماهنگ و پر سر و صدا و گسترده، منابع مالی این سریال را که مستقل بود و خارج از نهاد صدا و سیما پخش می‌شد به پرسش گرفت و این بار با وارد آوردن اتهام پولشویی و اختلاس، همه اعتماد عمومی را نشانه رفت!

چه باید می‌کردیم؟ تن می‌دادیم به شایعه و شبهه و بازار داغ جو سازی و کار را تعطیل می‌کردیم؟

و یا برغم تهمت‌ها و افتراهای ریز و درشت که علاوه بر حیثیت تهیه کننده سریال، آبروی من، همکار نویسنده‌ام و یکی دو تن از بازیگران اصلی سریال را نشانه رفته بود و با امید بر طرف شدن شبهات و شایعه پراکنی افرادی که با هر نیت و انگیزه توقف فیلمبرداری «شهرزاد» را هدف قرار داده بودند، کار را ادامه می‌دادیم؟

صد البته نقطه قوت هنرمند، استقلال اوست و برای او همیشه این ترس و تردید وجود دارد که مبادا بازیچه دست متولیان سرمایه و قدرت‌های موازی پشت پرده قرار گیرید. هنرمند دلگرم است به اعتماد مردم و نمی‌تواند فقط به منافع مادی خود بیندیشد و طبیعی است که باید بداند با کمک چه سرمایه‌ای می‌تواند خلق را ممکن سازد.

اگر چه در نهایت ما راه دوم را انتخاب کردیم و موازی آن دروغ و واهی بودن شبهات و اتهامات نیز کاملا به اثبات رسید، اما بی تردید یکی از سخت‌ترین لحظات ساختن سریال «شهرزاد» همین انتخاب بر سر این بزنگاه بود. انتخاب میان افکار عمومی که گاه چون کشتی بی لنگر است و حقیقتی که برای اثباتش باید مرام و معرفت حلم وصبوری دانست؟

اکنون در پایان ساخت و تولید و پخش، صحبت کردن از این بزنگاه‌هایی که هر بار کارگردان و دیگر دست اندرکاران سریال «شهرزاد» را در برابر انتخاب‌هایی خطیر قرار می‌داد به چندین کار می‌آید: باید دانسته شود سریالی که موجب همدلی و هیجان و کنجکاوی نسبت به گوشه‌هایی از تاریخ معاصر در نزد مخاطبانش شده، به قیمت مدیریت چه تنش‌ها و دست و دل لرزیدن‌هایی میسر گشت. باید دانسته شود تا بتوان بر آن اساس برای ادامه کار راه حل و چشم‌اندازی روشن‌تر ترسیم کرد. باید دانسته شود تا افکار عمومی بسرعت بازیچه دست متولیان ثروت و منطق قدرت نشود و برای نفرین و آفرین گفتن، شتاب نکند و صبوری بیاموزد و طمأنینه پیشه کند. من در طی سال‌های حضور در این عرصه، تنها به یمن همین اعتماد به مردم، اعتماد به روشنگری زمان و صبوری بوده است که از پا نیفتاده‌ام و مرارت‌ها را تاب آورده‌ام.

و اکنون در کلام آخر، به نیابت از سوی یک به یک همکارانم، قدران قدرشناسی وحسن توجه مردم عزیزی هستم که سریال «شهرزاد» را برغم همه نقصان‌ها و کاستی‌های آن مورد حمایت و اعتماد خود قرار دادند.»

رقبای کن در آلمان

فرهادی به جشنواره مونیخ می‌رود

جشنواره بین‌المللی فیلم مونیخ با تجلیل از تری گیلیام و اما تامپسون میزبان فیلم «همه می‌دانند» اصغر فرهادی خواهد بود.

به گزارش مهر به نقل از هالیوود ریپورتر، در حالی که سی و ششمین جشنواره بین‌المللی فیلم مونیخ با نمایش درام آلمانی «مکی مسر» کار خود را شروع می‌کند، این جشنواره میزبان بیشتر فیلم‌هایی است که در جشنواره کن امسال نیز به نمایش درآمده بودند.

این جشنواره امسال دستاورد یک عمر فعالیت هنری را که به نام سینه‌مریت شناخته می‌شود به اما تامپسون بازیگر و فیلمنامه‌نویس برنده جایزه اسکار و تری گیلیام کارگردان اهدا می‌کند.

جشنواره مونیخ که از ۲۸ ژوئن تا ۷ جولای برگزار می‌شود، در عین حال میزبان فیلم «همه می‌دانند» ساخته اصغر فرهادی است که فیلم افتتاحیه جشنواره کن ۲۰۱۸ بود. «دله دزدها» که جایزه نخل طلای کن امسال را از آن خود کرد نیز در میان فیلم‌های این دوره مونیخ جای دارد.

تری گیلیام با فیلم «کسی که دون کیشوت را کشت» به عنوان فیلم اختتامیه جشنواره کن حضور داشت. وی ۷ جولای به مرکز ایالت باواریای آلمان سفر می‌کند تا این جایزه را دریافت کند. در عین حال مونیخ هم این فیلم و هم شماری از بهترین آثار گیلیام را به نمایش درمی‌آورد. «برزیل»، «شاه ماهیگیر» و «مانتی پیتون و جام مقدس» از جمله این فیلم‌ها هستند. فیلم مستند «گمشده در لامانچا» به کارگردانی کیت فالتون و لوییز پیه محصول ۲۰۰۲ نیز که درباره اولین تلاش ناموفق گیلیام برای ساخت فیلمی بر اساس قصه دن کیشوت است، در همین بخش به نمایش درمی‌آید.

اما تامپسون برنده ۲جایزه اسکار نیز قرار است ۲۹ ژوئن تجلیل شود. وی جایزه اسکار بهترین بازیگر زن را برای «پایان هاوارد» دریافت کرد و جایزه بهترین فیلمنامه اقتباسی را برای فیلمنامه «حس و حساسیت» برای فیلم آنگ لی در کارنامه دارد. در بزرگداشت این بازیگر هم دو فیلمی که برای وی اسکار به ارمغان آوردند و هم فیلم «پرستار مک‌فی» که در آن او در نقش یک پرستار بچه جادویی بازی کرده نمایش داده می‌شود.

«نمایش بچه‌ها» ساخته ریچارد ایر نیز جدیدترین فیلم تامپسون است که در مونیخ روی پرده می‌رود. او در این فیلم در نقش یک قاضی عالی‌رتبه دیده می‌شود.

«خاکستری ناب‌ترین سفید است» ساخته جیا ژانگ-که و «سوختن» ساخته چانگ-لی از دیگر فیلم‌های امسال کن هستند که در مونیخ نیز روی پرده می‌روند.

حسن معجونی:

تمام شرایط سالن‌های خصوصی و دولتی مانند هم است

حسن معجونی با اشاره به اینکه «کار کردن در سالن‌های خصوصی و دولتی برایم یکسان است» اظهار کرد: اکنون تمام شرایط سالن‌های خصوصی و دولتی مانند هم است. زمانی بود که تماشاخانه ایرانشهر به مدت یک سال برچسب‌هایش را برداشته بود اما اکنون آن را برگردانده است و با سالن‌های دولتی فرق ندارد.

این بازیگر و کارگردان تئاتر در گفت‌وگو با ایسنا درباره نمایش جدید خود بیان کرد: تئاتر «فِلیک» اثر «آنی بیکر» و ترجمه بهرنگ رجبی است و قرار است که از نیمه‌های تیرماه در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه برود.

این کارگردان با معرفی بازیگرانی که در این نمایش ایفای نقش می‌کنند، گفت: نوید محمد زاده، ستاره پسیانی، حسین حسینیان و برنا انصاری چهار بازیگری هستند که در این کار حضور دارند. دو نفر از بازیگرانی که در این نمایش حضور دارند از گروه تئاتری خودم (لیو) هستند و نوید محمدزاده هم برای دومین بار است که پس از «ستوان اینیشمور» با یکدیگر همکاری می‌کنیم.

او درباره انتخاب این نمایش‌نامه و همچنین کارگردانی آن گفت: «فلیک» یکی از متن‌هایی است که آن را بسیار دوست دارم و به نظرم فوق‌العاده است. این اثر در سال ۲۰۱۴ نوشته شده و تاکنون جوایز فراوانی هم از جمله پولیتزر گرفته است.

معجونی با اشاره به اینکه «کار کردن در سالن‌های خصوصی و دولتی برایم یکسان است» اظهار کرد: اکنون تمام شرایط سالن‌های خصوصی و دولتی مانند هم است. زمانی بود که تماشاخانه ایرانشهر به مدت یک سال برچسب‌هایش را برداشته بود اما اکنون آن را برگردانده است و با سالن‌های دولتی فرق ندارد، این را به این جهت گفتم که قرار بود در ابتدا این کار را در ایرانشهر اجرا کنیم اما در آن سالن، یک کار دیگر هم همزمان با نمایش ما اجرا داشت. بنابراین به خاطر شرایط دکور بندی این نمایش، ما نمی‌توانستیم نمایش‌مان را در آن سالن اجرا کنیم و شهرزاد این امکان را برای ما فراهم کرده است که در یک سالن فقط نمایش من اجرا شود.

او ادامه داد: دکور این نمایش مانند یک سینما است و کاراکترهای این نمایش بچه‌های سینما هستند مثل کسانی که بلیت صادر می‌کنند یا نظافت می‌کنند یا در اتاق کنترل فعالیت دارند. در حقیقت ماجرای این نمایش در یک سینما رقم می‌خورد و جزئیات زیادی دارد. همچنین صندلی‌های تئاتر روبرو صندلی‌های سینما قرار گرفته‌اند و فضای جالبی را به وجود آورده است.

این کارگردان در پایان درباره کار کردن با بازیگرانی چون نوید محمدزاده که در سینما هم شناخته شده و تجربه زیادی پیدا کرده است، گفت: وقتی اولین بار با نوید محمدزاده در پروژه‌ای تئاتری همکاری کردیم تازه وارد سینما شده بود و من چون همان ذهنیت تئاتری را از او دارم، از منظر سینمایی به این بازیگر نگاه نمی‌کنم. شاید بازیگران، تفاوتی در مدیوم نداشته باشند ولی اگر دنبال بازی‌های ظریف باشیم ممکن است در سینمایی‌ها هم پیدا شود. با این حال به نظر من بازیگران به صورت فردی با هم متفاوت هستند و نه از لحاظ مدیوم‌هایی که در آن فعالیت می‌کنند و من که در حال کار کردن با آن‌ها هستم باید این تفاوت‌ها را متوجه باشم.

پخش ٦ بازی فوتبال در سینماها

در جلسه شورای عالی اکران مقرر شد ۶ بازی از بازی‌های مسابقات جام جهانی فوتبال در سینماها نمایش داده شود. به گزارش مهر، جلسه شورای عالی اکران امروز ۲۲ خرداد برای تعیین تکلیف پخش بازی‌های فوتبال جام جهانی روسیه ۲۰۱۸ در سینماها برگزار شد. طبق این جلسه مقرر شد سه بازی ایران در جام جهانی و سه بازی نهایی جام جهانی در سینماهای سراسر کشور پخش شود.

بلیت این بازی‌ها مبلغ ۲۰ هزار تومان تعیین شده است. علی سرتیپی سخنگوی شورایعالی در این باره گفت: در دومین جلسه شورایعالی اکران مقرر شد درجهت حمایت از تیم ملی فوتبال کشورمان سینماهای متقاضی نمایش فوتبال پس از اخذ مجوز لازم از کارگروه اکران اقدام کنند.

وی ادامه داد: اکران فوتبال در شهرستان‌ها نیز پس از هماهنگی و اخذ مجوز از اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قابل اقدام است.

«کلاه قرمزی» عید فطر به تلویزیون می‌آید

به مناسبت فرا رسیدن عید سعید فطر شبکه دو سیما ویژه برنامه‌های متعدد، فیلم‌های سینمایی و دو قسمت جدید از مجموعه «کلاه قرمزی» را برای مخاطبان این شبکه در گروه‌های مختلف سنی تدارک دیده است.

به گزارش هنرآنلاین، «آئینه خانه» به بهانه عید بندگی و عبادت با رویکرد ویژه‌ای تقدیم مخاطبان خواهد شد. این برنامه کاریست از گروه خانواده که با حضور حجت الاسلام شهاب مرادی و به تهیه کنندگی سعید ستودگان جمعه و شنبه (۲۵ و ۲۶ خرداد) ساعت ۱۱:۰۰ روانه آنتن خواهد شد.

همچنین اختتامیه برنامه «مکث» کاری از گروه کودک و نوجوان ساعت ۱۵:۱۵ روز شنبه ۲۶ خرداد برای پخش از این شبکه در نظر گرفته شده است.

از دیگر تدارکات شبکه دو؛ پخش دو قسمت جدید از مجموعه «کلاه قرمزی» است که جمعه و شنبه (۲۵ و ۲۶ خرداد) ساعت ۱۲:۰۰ به روی آنتن می‌رود.

اعتراض درمیشیان به توقف تیزرهای فیلمش

نویسنده و کارگردان «عصبانی نیستم!» به توقف پخش تیزرهای تلویزیونی «عصبانی نیستم!» اعتراض کرد. به گزارش ایسنا، رضا درمیشیان با اعتراض به توقف پخش تیزرهای «عصبانی نیستم!» از سازمان صدا و سیما نوشت: «سازمان صداوسیما جلوی پخش تیزرهای «عصبانی نیستم!» را هم گرفت؛ تنها به دلیل اعتراض به حذف باران کوثری از تیزرهای «عصبانی نیستم!» این فیلم پس از ۵ سال توقیف در سالن‌های محدود بر پرده سینماهای کشور است. «عصبانی نیستم» به کارگردانی رضا درمشیان، محصول سال ۱۳۹۲ روز چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۷ اکران شد. نوید محمدزاده و باران کوثری بازیگران نقش اول این فیلم هستند. این فیلم داستان «نوید» با نقش‌آفرینی نوید محمدزاده دانشجوی ستاره دار و اخراجی است که برای فراهم‌آوردن حداقل شرایط زندگی در رویارویی با بی‌اخلاقی‌های جامعه، با خود تمرین می‌کند تا «عصبانی» نباشد و در تلاش است تا دختر موردعلاقه‌اش «ستاره» با بازی باران کوثری را از دست ندهد.

محمدرضا هدایتی:

جهان «رهایم نکن» نقش متفاوتی برایم بود

محمدرضا هدایتی بازیگر نقش جهان در سریال «رهایم نکن» بیان کرد که تا به حال در چنین نقشی بازی نکرده بود به همین دلیل نقش متفاوتی برایش محسوب می‌شود.

محمدرضا هدایتی در گفتگو با مهر با اشاره به نقش جهان در سریال «رهایم نکن» که این شب‌ها به کارگردانی محمدمهدی عسگرپور از شبکه سه سیما پخش می‌شود، بیان کرد: برای حضور در سریال «رهایم نکن» که ابتدا نام دیگری داشت با من تماس گرفتند و من چند قسمت از فیلمنامه را خواندم و البته این را هم می‌دانستم که عسگرپور کار بی کیفیت نمی‌سازد. وی اضافه کرد: عسگرپور برای من درباره این نقش توضیح داد و من دیدم که نقش متفاوتی از کارهای پیشین من است. جهان، شخصیتی است که ابتدا مثبت است و بعد به تدریج منفی می‌شود و برای من موقعیت خوبی بود.

هدایتی درباره ریسک حضور در این نقش با توجه به تیپ‌های فراوانی که در حوزه کمدی از او دیده شده است، بیان کرد: من تا به حال چنین نقشی بازی نکرده بودم و فکر کردم تجربه خوبی برایم خواهد بود. مردم آنقدر به من لطف دارند که بازی مرا از یک طرف در کارهای مهران مدیری و از طرف دیگر در آثار جدی مثل «در چشم باد» ساخته مسعود جعفری جوزانی قبول کردند پس این هم می‌شود.

وی درباره شخصیتی که نقش آن را ایفا می‌کند، گفت: ترجیح می‌دهم خود مخاطبان تا انتهای سریال را ببینند ولی من در این نقش ابتدا شخصیتی مهربان دارم اما این فرد با رسیدن به موقعیت‌های مادی تغییراتی می‌کند. هدایتی در پایان با اشاره به دیگر فعالیت‌های خود توضیح داد: دوست دارم در حوزه‌های مختلفی فعالیت داشته باشم به طور مثال هر از گاهی قطعه ای موسیقایی می‌خوانم و اجرا می‌کنم چون دوست دارم مردم در موسیقی هم از من خاطره داشته باشند.

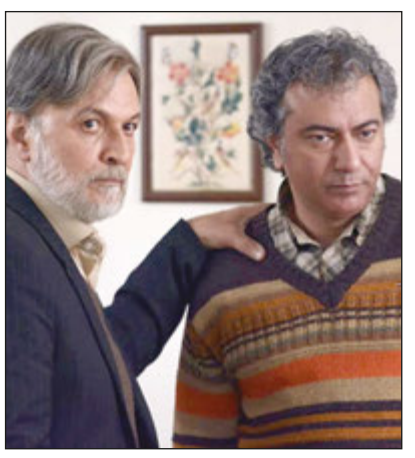

نگاه

نگاهی به فیلم «چهار راه استانبول» پلاسکو ریخت، اما اخلاق نابود شد!

رویاسلیمی

پرداختن به اتفاقات و حوادثی که در اجتماع رخ می‌دهد؛ همواره دستمایه‌ای است برای بیان نظرگاه هنرمند نسبت به آن اتفاق که عموما بر پایه قصه یا بهره‌گیری از ابزار و لوازم هنر صورت می‌گیرد. پرداختی غیرمستند که اشاره‌ای به موضوعی واقعی در جهان پیرامونی دارد و قرار است سویه‌ای دیگر از آن به همراه جزئیاتی از عاملین و یا قربانیان مطرح شود.

این شیوه روایتگری در سینمای هالیوود بسیار مرسوم است. بعضی از این اتفاقات در سطح جهانی یا بین‌المللی است و برخی دیگر ملی و منطقه‌ای. اتفاق پلاسکو؛ خاطره جمعی مردم تهران و ایران را از ساختمانی قدیمی و پر رفت و آمد به تاریخ سپرد. سی‌ام دی ماه ۱۳۹۵؛ در میان چشمان نگران و بهت‌زده مردم و کاسبان فرو ریخت. خبری کوتاه که تاثیری عمیق بر فضای رسانه‌ای کشور گذاشت و مدت‌ها تیتر اول مطبوعات و خبرگزاری‌ها شد. یک سال پس از این فاجعه، مصطفی کیایی «چهار راه استانبول» را با نگاهی به فرو ریختن پلاسکو ساخت. این فاجعه به کمک شخصیت‌های فیلم برای فرار از طلبکاران، خروج غیرقانونی و خواستگار سمج؛ می‌آید. اگر پلاسکو برای کسبه آن و مردم اتفاقی ناراحت‌کننده و دردناک در کنار از دست دادن جان چندین آتشنشان و برخی کسبه بود؛ برای شخصیت‌های «چهار راه استانبول» سراسر خیر و خوبی است و راه پر خطر و سخت آنها را برای رسیدن به مقاصد نادرستشان هموار می‌کند.

دو شخصیت اصلی با بازی محسن کیایی و بهرام رادان؛ پس از بدهی‌های بسیار و باختن در قمار؛ تصمیم به فرار از کشور به صورت قاچاق می‌گیرند و در این میان اما زندگی خصوصی‌شان نیز دستخوش تغییرات خواهد بود. یکی نامزدش را برای فرار از خواستگار پولدار با خود همراه می‌کند و به دروغ خود را در زمره قربانیان این فاجعه تلخ قرار می‌دهد و دیگری نیز همسر باردارش را رها کرده و به ادامه مسیر نادرست خود فکر می‌کند.

در این میان، کارگردان با بهره گیری از قوه تخیل خود؛ قصد دارد این فاجعه را بازسازی کند. اما تخیل در درامی اینچنینی که همه چشم‌ها را به خود معطوف کرد جواب نمی‌دهد و باید به بازنمایی واقعیتی پرداخت که قلب مردم را به درد آورده. او که از عمق فاجعه آگاهی ندارد در حالیکه پلاسکو در ساعات اولیه فروریختن است؛ شخصیت‌هایی که حالا باید آنها را قهرمانانی کثیف نامید را معلوم نیست به چه شیوه‌ای از مهلکه نجات می‌دهد تا بتوانند فرار کنند. به نظر می‌رسد نمایش تلاش آتشنشانان و نگرانی خانواده‌ها و مردمی که از وضعیت عزیزانشان خبر ندارد؛ به قصه‌ای پر سوز و گداز کمک خواهد کرد. اما کدام قصه؟ دختری که برای فرار با پسری لاابالی خانواده خود را با تصور مرگش رها می‌سازد کجای قصه پر اشک و آه جای می‌گیرد؟ استفاده از احساسات و التهابی که هنوز در جامعه نسبت به این واقعه وجود دارد؛ به بی‌اخلاقی شخصیت‌ها پیوند می‌خورد و عملا می‌شد این قصه را با هر اتفاق ناگوار دیگر نیز الصاق کرد.

استفاده از زوج بهرام رادان و محسن کیایی در فیلم‌های این کارگردان؛ قرار است لحن کمیک آثارش را برجسته کننده؛ که در این فیلم بی‌کارکرد است. شوخی‌های زشت کلامی، شوخی با مسایلی بسیار سخیف و جلف در فیلمی که قرار است درامش با صدای علیرضا قربانی و فریادهای دردناک مهدی پاکدل خود را به ملودرامی سوزناک نزدیک کند؛ عملا پایه‌های فیلم را در رسیدن به یک ژانر مشخص سست می‌کند. که البته به نظر می‌رسد سعی شده با این شوخی‌ها از بار اندوهی که به تصویر کشیده نمی‌شود کاسته شود. اندوهی که در سرشت خود یک خوش‌شانسی بی سابقه برای دو شخصیت بی سر و پای فیلم است.

نکته دیگر، سکانسی است که رادان از جایگاه حق به جانبی که جامعه و شرایط حق او را خورده‌اند؛ شعارها و تیکه‌های شبه سیاسی کارگردان را به خورد مخاطب می‌دهد. «اینکه پلاسکو الان نریخت و جنس چینی پلاسکو را نابود کرد» انتظار می‌رود مخاطب حالا دیگر حق را به این دو بدبخت بدهکار بدهد و نقد اقتصاد سیاسی در شرایط موجود را در یک جمله بپذیرد. اما این شعارها از زبان کسی بیان می‌شود که اصلا در جایگاه حق به جانبی قرار ندارد و کارگردان حتی برای شعار خود نیز شانیتی قائل نشده چراکه این جملات می‌توانست به صورت نقدی از سوی همسر باردارش با بازی سحر دولتشاهی عنوان می‌شد. تنها شخصی که به نظر می‌رسد در فیلم می‌توان او را به عنوان یک انسان پذیرفت و به حرفش گوش داد و با او همذات پنداری کرد. که البته به نظر می‌رسد بیش از اینکه در مورد فرو ریختن پلاسکو در این فیلم ناراحت شویم باید برای فرو ریختن اخلاق در سطوح مختلف آن گریست! اخلاقی که در آن می‌شود از بدبختی و رنج دیگران؛ به نفع خود بهره جست.

تفکر حاکم بر فیلم‌های کیایی همواره از یک ایده پیروی می‌کند. اینکه انسان را تابع شرایط موجود است. شرایطی که او را جان به لب کرده و حالا هر کاری برای فرار از وضع موجود و رسیدن به مطلوب؛ مجاز و پذیرفتی خواهد بود. البته فارغ از سرنوشتی که شخصیت‌ها دچارش می‌شوند چراکه این شرایط بر آنها محیط است و تنها دست و پا زدن آنها در باتلاقی را نشان می‌دهد که گریزی از آن نیست. شرایطی که در آن فرد به خودی خودی تعیین کننده نیست و جامعه او را به سمت و سوی مشخصی پیش می‌برد. اما این مفهوم هم در سینمایی که کمتر مدیوم خود را حفظ کرده و پرداختی تلویزیونی در روایت دارد؛ نمی‌تواند فهم شده یا حتی جدی گرفته شود.

در رسیدن به این مقصود نیز زبان فیلم بسیار الکن است چراکه به قبل و بعد زندگی شخصیت‌ها حتی در چند دیالوگ ساده اشاره‌ای نمی‌شود و بستر رسیدن آنها به این حد از بی‌اخلاقی بدون اینکه فراهم شود به پایان می‌رسد. «چهار راه استانبول» در کارگردانی، بازی، چفت و بست داستانی، طراحی صحنه، جلوه‌های ویژه و... از دیگر فیلم‌های کارگردان عقب‌تر است و نمی‌توان آن‌را به عنوان فیلمی قابل ارجاع از فاجعه‌ای مهم و تاثیرگذار قلمداد کرد که بعدها رجوع به آن بتواند صحنه‌هایی کمتر دیده شده و بازسازی شده را از واقعه‌ای که به مرور زمان رنگ تاریخ به خود می‌گیرد؛ دانست. کارکردی که عموما برای این قبیل فیلم‌ها می‌توان در نظر گرفت.